

۱

شعر حفظی: بیت‌های زیر را کامل کنید.
الف) دست از مس وجود چو مردان ره بشوی
ب)

فریادها برانگیخت از سنگ کوهساران

۲

آرایه به کار رفته در هر عبارت را از کمانک مقابل آن انتخاب کنید.
الف) تا چشم بشر نبیندت روی
ب) هر کسی کاو دور ماند از اصل خویش
تضمین)

بنهفته به ابر چهر دل‌بند
باز جوید روزگار وصل خویش
(ایهام / حسن‌تعلیل)
(تلمیح /

۳

معنای واژه «دستور» در بیت «چه نیکو گفت با جمشید دستور / که با نادان نه شیون باد و نه سور» با معنای آن در کدام بیت زیر یکسان است؟
الف) مر او را یکی پاک دستور بود
ب) تن ز جان و جان ز تن مستور نیست

که رایش ز کردار بد دور بود
لیک کس را دید جان دستور نیست

۴

با توجه به زیر، به سؤالات پاسخ دهید.
«مکر او معکوس و او سرزیر شد
الف) بیت چند مسند دارد؟
ب) مفهوم جمله اول بیت چیست؟

روزگارش برد و روزش دیر شد»

۵

جاهای خالی را با کلمات زیر پر کنید.
«حریف، ظن، جمال، ممت»

الف) یقین شده است همه خلق را که نیست چو تو
ب) بیا ای کرده احیای هر دل مرده
پ) رنجورم و در دل از تو دارم صد غم
ت) شاید که به آفرینش خود نازد
ستوده‌سیرت و نیک‌اعتقاد و نیکو
چه باشد سایه بر ما مردگان اندازی احیانا
بی‌لعل لب‌ت دردم همه دم
ایزد که تماشای تو کند

۶

با توجه به بیت زیر، به سؤالات پاسخ دهید.
«در عشق کسی قدم نهد کش جان نیست
الف) تفاوت معنایی فعل «نیست» را در دو مصراع بررسی کنید.
ب) نقش ضمیر متصل در مصراع اول چیست؟

با جان بودن به عشق در سامان نیست»

۷

نقش کلمات خواسته‌شده را مشخص کنید.
الف) بی عشق زیستن را جز نیستی چه نام است؟
ب) پیش از من و تو بسیار بودند و نقش بستند
پ) باز که در هوایت خاموشی جنونم
ت) من که هر آنچه داشتم اول ره گذاشتم

فریادها برانگیخت از سنگ کوهساران
حال برای چون تویی اگر که لایقم بگو

۸

پیام هر بخش را به طور خلاصه بیان کنید.
 الف) پروانه قوت از عشق آتش خورد.
 ب) آتش عشق او را چنان گرداند که همه جهان آتش بیند.
 پ) درد هر کس را که بینی در حقیقت چاره دارد
 من ز عشقت با همه دردی که دارم ناگزیرم

۹

نقش دستوری واژه‌های مشخص شده را بنویسید.
 الف) عشق حقیقی، دل و جان را پاک می‌گرداند.
 ب) او بنده خود را عاشق خود کند، و بنده را گوید: تو عاشق و محب مایی.
 پ) پروانه قوت از عشق آتش خورد.
 ت) آن‌گاه آتش عشق او را چنان گرداند که همه جهان آتش بیند.

۱۰

جایگاه دستوری کلمات مشخص شده را بنویسید.
 الف) مر زیان را مشتری جز گوش نیست
 ب) در نیابد حال پخته هیچ خام
 پ) چه نیکو گفت با جمشید دستور

۱۱

کدام بیت غلط املایی ندارد؟ صورت درست کلمات نادرست را بنویسید.
 الف) از صحبت ناتمام بی‌خاصیتان
 ب) این قصه مرا کشت که هنگام وداع
 پ) حریفان خلوت‌سرای الست
 ت) بال بگشا و صفیر از شجر طوبی ظن
 کنجی و فراقتی و خاموشی به
 از دولت دیدار تو گشتم مهروم
 به یک جرعه تا نفخه صور مست
 حیف باشد چو تو مرغی که اسیر قفسی

۱۲

یک اثر منظوم و یک اثر منثور از مولوی بنویسید.

۱۳

ابیات زیر به جز اسلوب معادله، چه آرایه مشترکی دارند؟
 الف) مستمع صاحب‌سخن را بر سر کار آورد
 ب) عشق بر یک فرش بنشانند گدا و شاه را
 غنچه خاموش بلبل را به گفتار آورد
 سیل یکسان می‌کند پست و بلند راه را

۱۴

در ابیات زیر کدام عبارات هم‌معنا و معادل یک‌دیگرند؟ توضیح دهید.
 الف) مرا دیر شد روز و بگذشت کار
 ب) چنین گفت رستم که بیگاه شد
 تو روز جوانی غنیمت شمار
 ز رزم و ز بد دست کوتاه شد

۱۵

تعداد جملات ابیات زیر را بنویسید.
 الف) آتش است این بانگ نای و نیست باد
 ب) در نیابد حال پخته هیچ خام
 پ) روزها گر رفت گو رو باک نیست
 هر که این آتش ندارد نیست باد
 پس سخن کوتاه باید والسلام
 تو بمان ای آنکه جز تو پاک نیست

۱۶

معنای واژه «دستور» را در بیت‌های زیر مشخص کنید.
 الف) چه نیکو گفت با جمشید دستور / که با نادان نه شیون باد و نه سور (فخرالدین اسعد گرگانی)
 ب) گر ایدونک دستور باشد کنون / بگوید سخن پیش تو رهنمون (فردوسی)

۱۷

معنی و مفهوم عبارت زیر را به نثر روان بنویسید.
 در عشق قدم نهادن کسی را مسلم شود که با خود نباشد.

۱۸

در بیت «نی حدیث راه پرخون می‌کند / قصه‌های عشق مجنون می‌کند» مقصود از «راه پرخون» چیست؟

۱۹ عبارت زیر را به نثر ساده و روان امروزی بنویسید.
محرّم این هوش جز بی‌هوش نیست.

۲۰ نمودار مناسب جمله‌ی زیر را رسم کنید و اجزای جمله را در آن قرار دهید.
«بوی جوی مولیان مرا مدهوش می‌کرد.»

۲۱ درستی یا نادرستی عبارت زیر را تشخیص دهید.
در عبارت «پادشاهی اوراست زیبنده» «را» نشانه‌ی فکّاضافه است.

۲۲ انواع «را» را در جمله‌ی زیر مشخص کنید و معنای آن را بنویسید.
آفتاب زرد را، امیر به آب روان رسید.

۲۳ انواع «را» را در جمله‌ی زیر مشخص کنید و معنای آن را بنویسید.
یکی بفرستیم تا ما را خوردنی آورد.

۲۴ در کدام بیت، «جناس تام» وجود دارد؟ دلیل خود را با ذکر واژه‌های «هم‌جنس» بنویسید.
۱) وان که کیسوی تو را رسم تطاول آموخت
۲) آن که رخسار تو را رنگ گل و نسرين داد
هم تواند کرمش داد من مسکین داد
صبر و آرام تواند به من مسکین داد

۲۵ نوع نقش‌نمای «را» را در جمله‌ی زیر مشخص کنید.
مشنو ای دوست که غیر از تو مرا یاری هست.

۲۶ بیت زیر را به فارسی روان برگردانید.
محرّم این هوش جز بی‌هوش نیست
مر زبان را مشتری جز گوش نیست

با توجه به شعر زیر به سؤالات پاسخ دهید:
«هر که جز ماهی، ز آبش سیر شد
در نیابد حال پخته هیچ خام
هر که بی‌روزی است، روزش دیر شد
پس سخن کوتاه باید، والسلام»

۲۷ منظور از «ماهی» چیست؟

۲۸ مصراع اول بیت دوم به چه معنا است؟

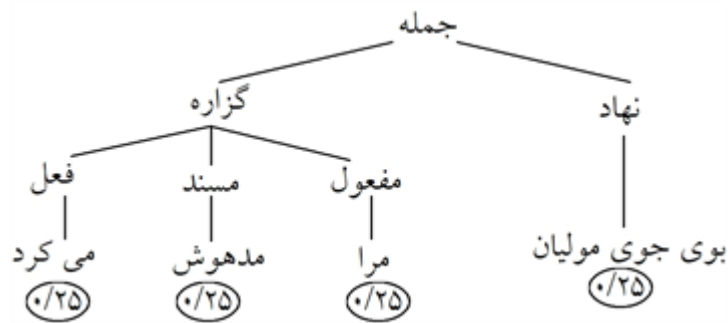
۲۹ در مصراع «تو بمان، ای آن که چون تو پاک نیست» منظور شاعر از «تو» کیست؟

۳۰ بیت «ما ز دریاییم و دریا می‌رویم
ما ز بالاییم و بالا می‌رویم»
با کدام بیت از شعر درس ارتباط معنایی نزدیکی دارد؟

- ۱ الف) تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی
ب) بازآ که در هوایت خاموشی جنونم
- ۲ الف) حسن تعلیل
ب) تلمیح
- ۳ گزینه الف پاسخ صحیح است.
- ۴ الف) معکوس، مسند، دیر
ب) گرفتار شدن در دام خودساخته
- ۵ الف) ظن
ب) ممت
پ) حریف
ت) جمال
- ۶ الف) ندارد، اسنادی
ب) مضاف‌الیه
- ۷ الف) نهاد
ب) نهاد
پ) نهاد، مفعول
ت) قید
- ۸ الف) خطرپذیری و فداکاری عاشق
ب) قدرت تأثیر عشق بر عاشق
پ) بیچارگی عاشق
- ۹ الف) مفعول
ب) مسند / متمم
پ) مفعول / مسند
ت) مسند / مفعول
- ۱۰ الف) مضاف‌الیه
ب) مضاف‌الیه، نهاد
پ) قید
- ۱۱ الف) فراغتی
ب) محروم
پ) غلط ندارد.
ت) زن
- ۱۲ منظوم: مثنوی معنوی، غزلیات شمس
منثور: فیه ما فیه
- ۱۳ کنایه (بر سر کار آوردن و بر یک فرش نشاندن)
- ۱۴ دیر شدن روز و دست کوتاه شدن، هر دو به معنی خسته و تباه شدن است.
- ۱۵ الف) ۴
ب) ۳
پ) ۶
- ۱۶ الف) دستور: وزیر
ب) دستور: فرمان، اجازه
- ۱۷ پیمودن راه عشق (قدم در راه عاشقی گذاشتن) برای کسی امکان دارد ۰/۲۵ که به فکر خودش نباشد. ۰/۲۵، ص ۵۳

۱۸ راه دشوار و پرخطر عشق. (۵/۰) (درس ۶ ص ۴۷)

۱۹ حقیقت عشق را هر کسی درک نمی‌کند، تنها عاشق (بی‌هوش) محرم است. (۵/۰)



۲۰ رسم صحیح نمودار (۵/۰)

به ذکر هسته‌ی گروه نهادی (بو) نیز نمره تعلق می‌گیرد.

۲۱ درست است. (۵/۰)

۲۲ را: نشانه‌ی قید (۵/۰) به معنی: هنگام (۵/۰)

۲۳ را: حرف اضافه (۵/۰) به معنی «برای» (۵/۰)

۲۴ بیت الف (وان که گیسوی ...) (۵/۰) ، زیرا واژه‌های «داد» و «داد» (۵/۰) از نظر لفظی یکسان (۵/۰) ولی در معنا متفاوت‌اند. (۵/۰)

۲۵ مالکیت (۵/۰)

۲۶ تنها عاشق حقیقی محرم حقیقت عشق است، همان‌طور که گوش برای ادراک سخنان زبان ابزار مناسبی است.

۲۷ عاشق واقعی

۲۸ آن که راه عشق نسپرده از حال عارف واصل بی‌خبر است.

۲۹ عشق (معشوق حقیقی)

۳۰ هر کسی کاو دور ماند از اصل خویش باز جوید روزگار وصل خویش

